فصلنامه اقتصاد فضا و توسعه روستایی، سال یکم، شماره 2 ، زمستان 1391 ، پیاپی 2
صفحات 146-129

رویکرد محلی‌گرایی در معماری روستاهای ایران

محسن سرتیپی پور* ، دانشیار دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه شهید بهشتی

دریافت مقاله: 1391/10/02 پذیرش نهایی:1391/12/11

چکیده
استقرار و بر پا نمودن سکونتگاه‌ها در طول تاریخ از طریق برقراری و تعامل سازنده انسان با محیط شکل گرفته و فراز و فرود شهرها و روستاها در طول تاریخ متأثر از میزان عمل نمودن به چنین تعامل و ارتباطی بوده است. روستاهای ایران از مهمترین مصداق‌های ارتباط سازنده و منطقی انسان و محیط محسوب می شوند که سکونت گزینی بخش قابل توجهی از جمعیت کشور در آن ها شاهدی بر این موفقیت بوده است. سکونت حدود 70% جمعیت کشور در روستاها در سال 1335 موید این ارتباط است و وجه مشخصه محیطی مکانی شمار بسیاری از شهرهای امروز که روستاهای گذشته بوده‌اند شاهد دیگری بر این ویژگی است.
مروری بر معماری و بافت سکونتگاهی روستاهای ایران تا قبل از دوران معاصر موید ویژگی‌هایی از پایداری مکانی است که تأمل در آن می‌تواند به حل برخی مشکلات سکونتگاهی که امروزه مبتلابه معماری، شهرسازی و روستاسازی است کمک نماید. مقاله پیش روی بر این بنیان استوار است که کالبد روستا متأثر از حکمت محیط و مکان، با ماهیتی جامع و چندبعدی، اجزاء به هم پیوسته و مرتبطی است که مسکن و بافت از پیوند و همبستگی و تعامل منطقی و هدفمند آنها شکل می‌گیرد.
تحقیق حاضر با هدف شناخت و تحلیل عنصرهای محلی در معماری مسکن روستایی، با استفاده از مطالعات و سوابق موجود، بر تشابهات و تباین‌های تاریخی و موجود مسکن روستایی در مناطق مختلف کشور تأکید دارد. روش تحقیق توصیفی – تحلیلی است و داده‌ها از طریق مستندات کتابخانه‌ای و آمارهای رسمی تهیه شده است.
یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که نخست مساکن بومی روستایی ایران دارای چهار الگوی کلی با تفاوت‌های مشخص است. سپس استان‌های گیلان، مازندران، همدان و یزد در زمینه وجه کالبدی مسکن روستایی از سطح بالاتری نسبت به سایر استان‌ها برخوردارند و در نهایت مساکن روستایی استان‌های یزد، اصفهان و تهران از امکانات رفاهی و آسایشی بیشتر برخوردارند و مساکن روستایی استان سیستان و بلوچستان در مجموع سخت‌ترین شرایط را دارند.
واژه‌های کلیدی: ایران، روستا، مسکن، مسکن روستایی، محلی‌گرایی.

*نویسنده مسئول: 09121123508 E-mail: m-sartipi@sbu.ac.ir

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-30]

1) مقدمه

بحران مکان را می‌توان بارزترین مشکل معماری و شهرسازی دوران معاصر دانست. بحرانی که در ایجاد فضاهای فاقد هویت، تاریخ و ارتباط تبلور یافته است. رویکرد عملکردگرا و کاربردی، مکان را به عنوان یک "موقعیت" واقعی که دارای هویت خاص خود است به مرور به فراموشی سپرده و موجب ایجاد فضای بدون مکان و تاریخ شده است (پرتوی، 1382). این در حالی است که با افزایش حجم دخالت‌های کالبدی در بافت شهرها و روستاها و اقداماتی که به منظور تامین مسکن و سرپناه صورت می گیرد و با افزایش جمعیت طی دهه های اخیر این بحران سرعت بیشتری به خود گرفته است.

براساس اطلاعات سرشماری نفوس و مسکن سال 1385بالغ بر 22 میلیون نفر از جمعیت 70 میلیونی ایران ساکن روستاها هستند(مرکز آمار ایران، 1385). طبق همین آمار از مجموع 14/9 میلیون خانوار ایرانی،5/096 میلیون خانوار روستائی است که در 4/42 میلیون واحد مسکونی زندگی می‌کنند(وزارت مسکن و شهرسازی، 1385). فرسودگی کالبد خانه، آسیب‌پذیری در برابر سوانح، و کاستی‌هایی مانند تداخل فضاهای زیستی و معیشتی که معمولاً غیر بهداشتی شدن و آلودگی محیط مسکونی را بدنبال می‌آورد، از مهمترین مشکلات موجود در حوزه مسکن روستایی است که معمولاً توسط متخصصان و کارشناسان اعلام می‌شود. وجود چنین معضلاتی باعث شده تا تأمین مسکناز دغدغه‌های دولت شده و اقدامات گسترده‌ای در این زمینه انجام گیرد. به طوریکه مطابق قانون برنامه چهارم و پنجم توسعه اجتماعی اقتصادی و فرهنگی ایران دولت موظف به حمایت از احداث و نوسازی سالانه 200/000 واحد مسکونی روستایی شده است(بنیاد مسکن، 1384).

در حالیکه مسکن به عنوان عمده‌ترین عنصر تشکیل دهنده بافت‌های روستائی؛ بیانگر کیفیت استفاده از مکان و محیط،و تأثیر اقتصاد و معیشت، سنت‌ها و هنجارهای حاکم بر جوامع روستائی است و موفقیت در این زمینه در گرو شناخت کیفیت مذکور است، مشاهدات نشان می‌دهد برخی از وجوه مذکور در مرحله طراحی و ساخت مورد غفلت قرار می‌گیرد (سرتیپی پور، 1388). علی رغم اینکه توجه به نیازها و فعالیت‌هایی که درون خانه انجام می‌شود، از بدیهی‌ترین مسائل طراحی است و به عنوان مثال بسیاری از معماران در طراحی مسکن طبقات معمولی شهری پیش بینی اتاق کار،

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-30]

مطالعه و موارد مشابه را به مشتری تحمیل می‌نمایند. همان افراد هنگـامی کـه در مقـام طراحی برای مسکن روستایی قرار مـی‌گیرنـد بسـیاری از نیازهـای زنـدگی روسـتایی از جمله فعالیت‌های مولد و نقش تولیدی مسکن را نادیده می‌گیرند. از سوی دیگر با توجـه به اینکه این نوع مسکن مـاهیتی پاسـخده بـه نیازهـای روسـتائیان داشـته، دخالـت در سازمان فضایی، شکل و طرح، و تحول آن مستلزم شناخت آگاهانه تمـام ابعـاد مـؤثر بـر شکل‌گیری معماری روستایی از جمله مکان است. از منظر معمـاری کمـک بـه حضـور و بودن انسان در محیط هدفی اصلی است و ساخت و احداث شـهر، روسـتا و بناهـایی کـه صرفاً بر اساس عرضه و تقاضا تهیه می‌شود نمی‌تواند این هدف را برآورد نمایـد. معمـاری زمانی ایجاد می‌شود که محیطی کامل و فراگیر قابـل روئیـت باشـد و چنـین تعریفـی از معماری به معنای توجه به تمامی مؤلفه‌های اسـتقرار و عینیـت‌بخشـی بـه روح زنـدگی روستایی در مکان است. توجه به این اصل در معماری روسـتایی کـه هنـوز انسـانی‌تـر و وابستگی‌اش به مکان بیشتر است به مراتب ضروری‌تر احساس می‌شود.

2) روش شناسی تحقیق

تأمین مسکن مناسب و متناسب با نیازهای جامعه روستایی از مسائل مهم در برنامه-ریزی و توسعه سکونتگاه‌های کوچک است که جستجو در زمینه‌های نظـری آن اهمیـت بسیاری دارد. این مقاله با استناد به گذشته تاریخی روستاها و مسکن روستایی در ایـران و برخی شاخص‌های موجود، تقرب به تأمین مسـکن مناسـب را از طریـق محلـی‌گرایـی جستجو می‌نماید و برای این منظور وجوه تشابه و تفـاوت تـاریخی و کنـونی مسـکن در مناطق مختلف کشور را مورد توجه قرار داده اسـت.منـابع اصـلی ایـن مقالـه مبتنـی بـر مطالعات مکتوب و کتابخانه‌ای؛ شاخص‌های نمونه گیری ویژگـی‌هـای مسـکن روسـتایی سال 82؛ و مشاهدات میدانی است که به صورت توصیفی-تحلیلی بررسـی و بـه نتیجـه-گیری رسیده است.

3) مسکن روستایی ایران در گذشته

فضای زندگی به صورت الگویی از پیش تعیین شده در جهان ایده‌آل‌ها و آرمـان‌هـای انسانی است و انسان در طول تاریخ حیات خود همواره در تلاش برای حرکـت بـه سـوی آن بوده است. مطالعه گذشته نه تنهـا دارای ارزش فلسـفی اسـت، بلکـه بررسـی آن بـه شناخت و روشن نمودن پیچیدگی‌هـا و پوشـیدگی‌هـای تفکـر جریـان‌هـای اجتمـاعی و

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-30]

فرهنگی و اعمال و باورهـای انسـانی و نیـز شـناخت موقعیـت‌هـا، اشـیاء و ... مـی‌گـردد (Rapoport, 2005). نگاهی جامع و کل‌نگر به مسکن روستایی نشـان مـی‌دهـد مسـکن پدیده‌ای اجتماعی فرهنگی، اقتصادی و مکانی کالبدی است که بـا هـدف فـراهم کـردن شرایط مناسب زیست و زندگی بر پا می‌شود.

مطالعه تاریخ و پیدایش و شکل‌گیـری مسـکن در ایـران نشـان از قـدمت و پیشـینه بسیار کهن دارد که ریشه‌های آن را در تـاریخ شـکل‌گیـری و پیـدایش روسـتاهای ایـن سرزمین باید جستجو نمود. روستاها اولین سـکونتگاه‌هـای دائـم در ایـران بـوده‌انـد کـه شواهد آن در دامنه کوه‌های زاگرس در غرب ایران (نواحی شـمال خوزسـتان)،کوهپایـه-های البرز و نواحی مرکزی، جنوب و شرق ایران مشاهده شده است. با شکل‌گیری اولـین سکونتگاه‌های دائم و رواج کشاورزی، تحولات قابل توجهی در روند معیشتی و اجتمـاعی اتفاق افتاد و از همان هنگام تأثیر معیشت کشاورزی و دامداری به عنـوان منبعـی بـرای تامین خوراک و پوشاک و استفاده از نیرو و انرژی دام‌ها و حیوانـات؛ در شـکل و سـاخت مسکن و سکونتگاه وجود داشته است.

مروری اجمالی به ویژگی‌های عام معماری روستایی ایـران بیـانگر تجلـی شـیوه‌هـای زیستی، معیشتی، ویژگی‌های مکـانی، و عوامـل اقتصـادی، اجتمـاعی و فرهنگـی در آن است. در این محیط فضای لازم برای کار و زندگی، فضای نگهداری ابزارآلات کشاورزی و باغداری و تولیدات آنها، پرورش و نگهداری دام و ... مهیـا مـی‌شـود و بـه همـین دلیـل مسکن از الگوهای متنوعی برخوردار می‌شـود.در تمـامی ایـن الگوهـا توجـه بـه مکـان و استفاده از امکانات و محدودیت‌هایی کـه در طبیعـت وجـود دارد قابـل مشـاهده اسـت. واحدهای مسکونی به مدد نظام اجتماعی اقتصـادی و جغرافیـایی خـاص کـه سـاخته و پرداخته آزمون و خطاهای مکرر در طول زمان بوده برخاسته از بستر مکان در بافت‌هـای متراکم یا غیر متراکم، و با پلان‌های معماری منظم، یا نامنظم و به ظـاهر بـی قاعـده در سراسر ایران ملاحظه می‌شود. شناخت و مراقبت از الگوهـای متنـوع و بـه یادگـار مانـده مسکن و بافت با ارزش در روستاهای ایران ضروری است (بیانیه پایـانی اولـین کنفـرانس بین‌المللی سکونتگاه‌های روستایی، 1390: بیست و یک).

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-30]

بررسی مساکن بومی روستایی ایران مؤید وجود چهار الگوی کلی با تفاوت‌هایی کاملاً متمایز شامل الف) مناطق شمالی در حاشیه دریای خزر، ب) کوهپایه‌های البرز و زاگرس؛ ج) حاشیه کویر و د) حاشیه خلیج فارس و دریای عمان در جنوب کشور است.

الف) مناطق شمالی ایران در حاشیه دریای خزر با آب و هوایی معتدل و مرطوب به دلیلفراوانیباران و خاک مناسب کشت و زرع روستاها بافتی پراکنده دارند. در این مناطق مساحت قطعات مسکونی نسبتاً زیاد است و فضای مسکونی اغلب با درختان مرکبات محصور می‌شود. از گذشته‌های دور اقتصاد منطقه و معیشت این نواحیمتکی بهکشاورزی، باغداری، کشت برنج و ماهیگیری بوده است(تصویر 1). در گذشته‌ای نه چندان دور خانه‌ها از مصالح چوبی ساخته و با اندودی از کاه گل پوشیده می‌شد. پوشش سقف خانه‌هامعمولاً از سفال، ساقه‌های برنج یا نی بوده است. جنگل‌های انبوه شمال در حاشیه دریای خزر و مناطق کوهستانی چوب مورد نیاز مسکن را تأمین می‌کرد. سقف-ها؛ ستون‌ها و در مواردی دیوارها و فوندانسیون خانه‌ها از چوب ساخته می‌شد ودر جاهائیکه رطوبت زمین زیاد است کف ساختمان از سطح زمین بالاتر قرار می‌گرفت (زرگر، 1376).

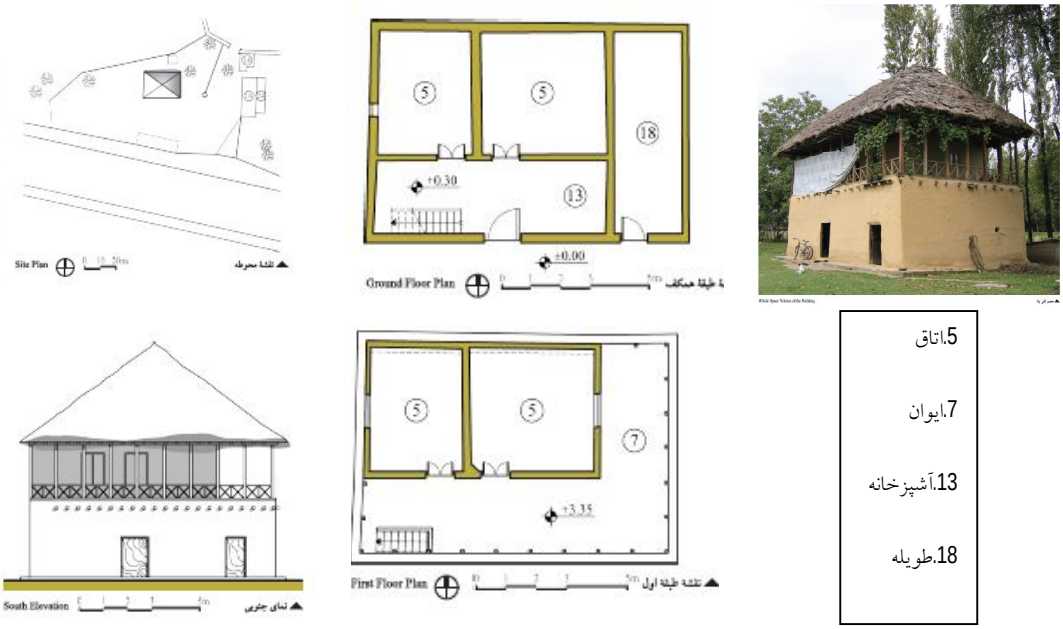

شکل (1) : مناطق شمالی ایران حاشیه خزر، خانه بردبار، ماکلوان، فومن، گیلان، خانه‌های روستایی ایران، 1389

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-30]

ب) دامنه کوه‌ها و کوهپایه‌های سلسله جبال البرز و زاگرس محل استقرار اکثر شهرها و روستاهای ایران است. خانه‌های این مناطق اغلب دو طبقه و اکثراً دارای فضایی برای پذیرایی میهمان است که موقعیت بهتری نسبت به سایر فضاها دارد و ورودی آن مستقل از دیگر اتاق‌ها است (تصویر 2). فضای میهمانخانه در خانه‌های دو طبقه با چندین بازشو برای نورگیری و برخورداری از چشم‌انداز مناسب در بالاترین طبقه قرار می‌گیرد.در این خانه‌ها طبقه پایین به فضای نگهداری دام‌ها، اصطبل، انباری و مطبخ و طبقه بالا به فضاهای زیستی مانند نشیمن و میهمانخانه اختصاص دارد.

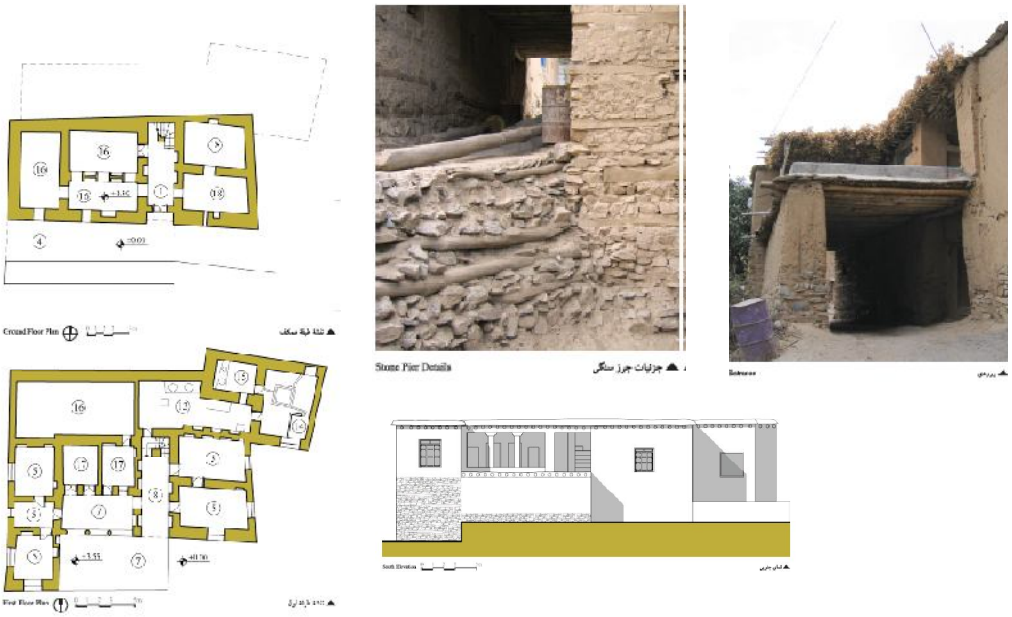

1.ورودی، 4. دالان، 5. اتاق، 7. ایوان، 8. راهرو، 13. آشپزخانه، 14. دستشوئی، 15.حمام، 16.انبار، 17.دستشوئی، 18. طویله

شکل (2) : کوهپایه‌های زاگرس، خانه بهمنی، کرآباد، سروآباد کردستان، خانه‌های روستایی ایران، 1389

ج) مرکز ایران منطقه‌ای کویری با طبیعتی خشن با میانگین بارش کمتر از200میلیمتر در سال است کهزندگی در آن فقط در کنارمظهر قنوات و چشمه‌ها امکان‌پذیر است. قنات سیستمی پایدار از استحصال آب زیرزمینی و ابتکاری اصیل از ایرانیان است که آب‌های زیرزمینی را به ملایمت به روی زمین منتقل می‌نماید و جریان آب را برای صدها و هزاران سال برقرار ساخته است. کمبود آب در منطقه، قنات را به عنصری ارزشمند مبدل نموده به طوریکه ذره ای از آب آن تلف نمی‌شود. چنانچه میزان آب کم باشد ابتدا آن را وارد حوضچه یا استخر می‌کنند و سپس به سوی مزارع یا باغات

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-30]

هدایت می‌کنند. وسعت روستاها و میزان جمعیت آنها در این مناطق بر اساس میزان آب آنها تعیین می‌شود (زرگر، 1376).

اساس معماری مناطق کویری ایران خشت و گل است. روستاها با بافت متراکم و خانه‌ها در کنار هم قرار می‌گیرند و استفاده از خشت که ماده‌ای با مقاومت حرارتی مناسب است امکان مقابله با گرمای شدید تابستان را میسر می‌نماید. خانه‌ها درون‌گرا با حیاطی در مرکز هستند (الگوی حیاط مرکزی) تا ضمن حفاظت فضاهای درون از طبیعت خشن و بادهای گرم این مناطق فضای باز مناسبی برای ساکنین فراهم کنند. اتاق‌ها واحدهای مجزایی هستند که ورودی آنها به سوی حیاط باز می‌شود (تصویر 3). در هماهنگی کامل با ویژگی‌های مکانی و تغییر فصول و ایجاد شرایط آسایش در درون خانه جابجایی‌هایی از فضاهای رو به آفتاب (زمستان نشین)، به فضاهای پشت به اب و سایه‌گیر برای زندگی در تابستان صورت می‌گیرد و اهل خانه در طبقات بالا، پایین و ایوان‌های شمالی و جنوبی جابجا می‌شوند.

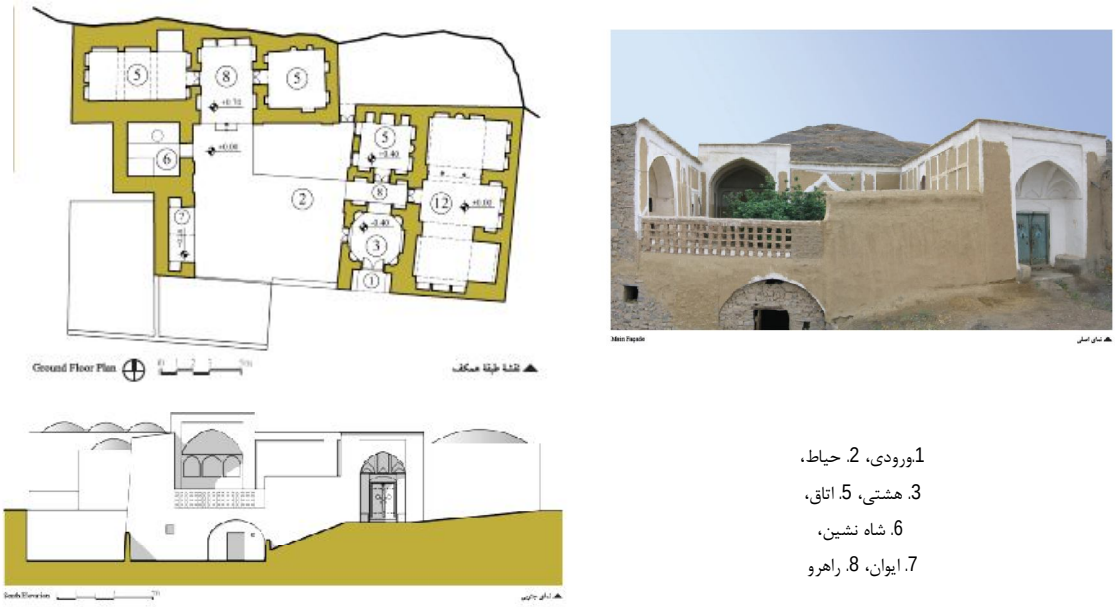

1.ورودی، 2. حیاط،
3. هشتی، 5. اتاق،
6. شاه نشین،
7. ایوان، 8. راهرو

شکل (3) : مناطق حاشیه کویر ایران، خانه مهدوی، تیکدر، زرند، کرمان، خانه‌های روستایی ایران، 1389

د) نوع دیگر از معماری روستایی در حاشیه خلیج فارس و دریای عمان (جنوب ایران) است که اهالی آن اغلب به ماهیگیری، پرورش نخیلات، تجارت، و حمل و نقل کالا به کشورهای حوزه خلیج فارس اشتغال داشته‌اند. هوای گرم و مرطوب خلیج فارس و کمبود منابع آب شیرین مهمترین ویژگی مکانی این منطقه است که الگوی خاصی از

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-30]

استقرار با ظاهری متفاوت از دیگر مناطق ایران را بوجود آورده است. به منظـور تسـهیل جریان طبیعی هوا و کاهش رطوبت نسبی، روستاها بافتی پراکنده دارنـد تـا نسـیم‌هـای ساحلی به راحتی در محیط جریان پیدا کند. ایـن مسـئله بـر معمـاری خانـه نیـز تـأثیر گذاشته و خانه‌ها نیز به گونه‌ای ساخته می‌شوند که این شرایط در خانه برقرار شـود. بـه همین دلیل پنجره‌ها مقابل هم قرار می‌گیرند تا از طریق جریان هوا شـرایط آسـایش در فراهم شود(تصویر 4).به منظور استفاده از نسیم‌های دریایی و ساحلی اکثر خانه‌ها دارای بادگیر هستند. رنگ خانه‌ها به منظور کاهش جـذب انـرژی خورشـید و انعکـاس تـابش، سفید و حجم آنها به گونه‌ای طراحی می‌شـود کـه بـا ایجـاد سـایه و روشـن دیوارهـا در معرض مستقیم تابش قرار نگیرند.

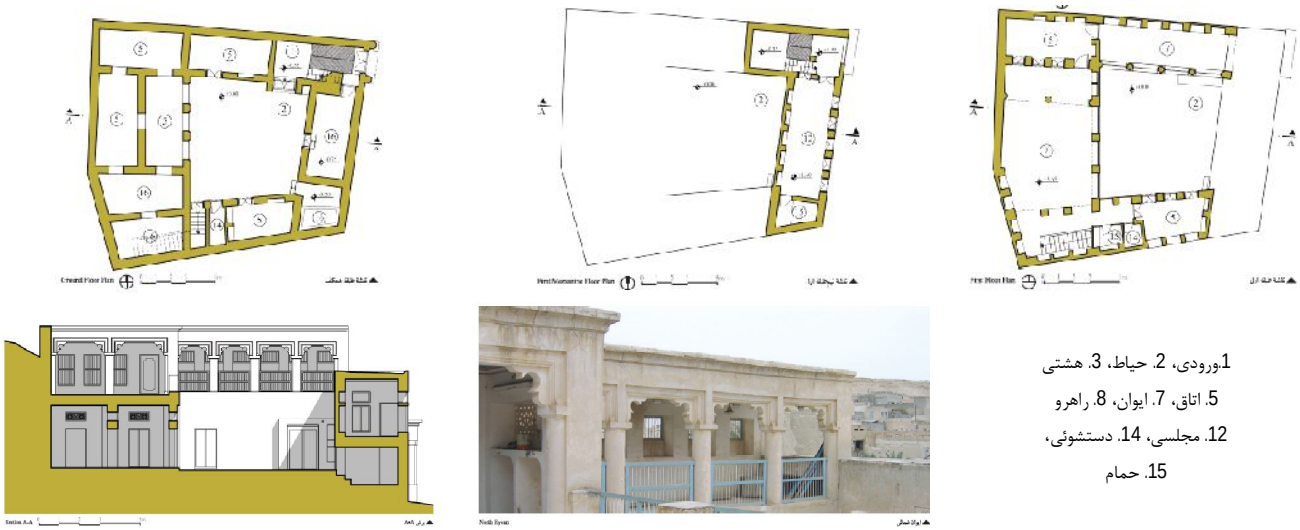

1.ورودی، 2. حیاط، 3. هشتی
5. اتاق، 7. ایوان، 8. راهرو
12. مجلسی، 14. دستشوئی،
15. حمام

تصویر 4. حاشیه خلیج فارس، خانه ابن احمد، کهتوئیه، بستک، هرمزگان، خانه‌های روستایی ایران، 1389

در تمامی گونه‌های فوق واحدهای مسکونی روستایی ضمن سادگی و بـی‌پیرایگـی از معماری متناسب با ویژگی‌های مکانی و عملکرد زیستی، معیشـتی برخـوردار بـوده‌انـد و معماری هر منطقه با الگوهای بصری و زیبایی شناختی، مصالح و دانش بومی خاص خود از دیگر مناطق متمایز می‌شود. در بررسی تمامی مصداق‌ها و ویژگی‌های فوق تأکیـد بـر حفظ ویژگی‌ها و خصوصیات خاص مکان مشاهده می‌شود.

4) مسکن روستایی ایران در دوران معاصر

مسکن روستایی در دهه اخیر تحولات گوناگونی را پشت سر گذاشـته اسـت. اگرچـه نظام مدیریت، کنترل و نظارت ساخت و ساز در روستاها دارای مشکلاتی است (آخوندی

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-30]

و طاهرخانی، 1390: 1) و احساس تعاون و همکاری‌های مشترک در بین روستائیان رو به کاهش است (رشیدپور و دیگران، 1390: 135)، ایجاد فرصت‌های پیشرفت پایدار در مناطق روستایی امری اجتناب ناپذیر و از مزایای تأکید بر دولت الکترونیک است (شفیعی و دستجردی، 1390: 156). با این حال، داده‌های عمومی در خصوص مسکن روستایی به صورت تخصصی به طرح نمونه‌گیری از مسکن روستایی وابسته است. طرح نمونه‌گیری از ویژگی‌های مسکن روستایی سال 82 که برای اولین بار در تاریخ برنامه-ریزی مسکن ایران انجام شد، جامعه‌ای آماری متشکل از 2118 روستای نمونه و 46413 واحد مسکونی روستایی در سطح کشور (بنیاد مسکن انقلاب اسلامی، 1382) را شامل می‌شود. در طرح ارزیابی و تحلیل داده‌های نمونه‌گیری سال 82، وضعیت موجود مسکن روستایی ایران در چهار بعد کالبد، اقتصاد و معیشت، برخورداری از امکانات آسایشی و انرژی و محیط زیست مورد بررسی قرار گرفت. در این ارزیابی وضعیت مسکن روستایی استان‌های کشور در مقایسه با یکدیگر در 4 سطح مناسب(درجه 1)، قابل قبول (درجه 2)، کمتر از متوسط (درجه 3)، و ضعیف(درجه 4) درجه‌بندی شدند که نتایج ذیل را دربر داشت:

وجه کالبدی مسکن روستایی

این وجه از مسکن ویژگی های فیزیکی آن را از طریق نمایه های "استحکام" شامل نوع پی و میزان دوام پی، سقف، دیوار و مانند آن که پایداری بنا متکی به آن است، و نمایه "میزان برخورداری از فضاهای مسکن" نظیر اتاق ها، طبقات و زیر بنا بررسی می نماید (سرتیپی پور، 1388) (جدول 1).

جدول (1) : وجه کالبدی مسکن

درجه	تعداد استانها	نام استان
درجه اول	4	گیلان، همدان، مازندران، یزد
درجه دوم	9	تهران، قزوین، اصفهان، مرکزی، لرستان، ایلام، فارس، چهارمحال و بختیاری، اردبیل
درجه سوم	14	بوشهر، آذربایجان شرقی، قم، کهگیلویه و بویراحمد، آذربایجان غربی، زنجان، گلستان، کرمانشاه، هرمزگان، خراسان، سمنان، خوزستان، کرمان، کردستان
درجه چهارم	1	سیستان و بلوچستان

مأخذ: یافته‌های تحقیق، 1391.

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-30]

نتیجه ارزیابی وجه کالبدی مسکن روستایی ایران نشان داد کـه 4 اسـتان کشـور در سطح اول، 9 استان در سطح دوم، 14 استان در سطح سوم و 1 استان در سطح چهـارم قرار گرفته اند.

وجه اقتصاد و معیشت مسکن روستایی

اگرچه شـرایط نـامطلوب اقتصـادی و نـاتوانی مـالی روسـتائیان ضـرورت اسـتفاده از اعتبارات را در محیط‌های روستایی ایجاب می‌کند (بخشـی، 1390: 13)، بـا ایـن حـال، همراه با تحولات اقتصاد کشور و دگرگونی در روابط اقتصاد شهر و روستا، چهـره مسـکن روستایی نیز دگرگون شده است (رفیعی، 1390: 113). به علاوه، سهم مسکن روسـتایی از کل سرمایه‌گذاری‌های ساخت مسکن در کشور در نیمه نخست دهه 1380، بین 9 تـا 10 درصد و در نیمه دوم همین دهه افزایش چشم‌گیری یافته است (همان: 128) و هـم از این رو اگرچه جنبه اقتصادی مسکن روستایی جنبه مهم بـه شـمار مـی‌رود (سـینگ، 1390: 140)، تصویر از مسکن روستایی همانند ساختمان‌های مسـکونی شـهری قیـاس مع‌الفارقی است (صابری‌فر و قیصاری، 1390: 159). اثرات اقتصـادی سـرمایه‌گـذاری در بخش مسکن روستایی و ترکیب معیشت و فضای زیست در ایـن خانـه‌هـا از موضـوعات مهمی است که بدون پرداختن به آن تصویری جامع از وضـعیت مسـکن روسـتایی ارائـه نمی‌شود. اساسی‌ترین تفاوت مسکن روسـتایی بـا شـهری، آمیختگـی تولیـد و معیشـت روستایی با فعالیت‌های روزانه زندگی در مسکن اسـت. فضـای مسـکن روسـتایی ضـمن برآورده نمودن نیازهای زیستی، فضایی مولد اسـت کـه در خـدمت تولیـد اسـت. تجلـی کالبدی فعالیت‌های تولیدی در این نوع مسکن و رابطـه متقابـل فعالیـت‌هـای زیسـت و معیشت در زندگی روستایی به شکل‌گیری فضـاهای بـا عملکـرد معیشـتی؛ یـا عملکـرد مختلط زیستی و معیشتی، که معماری آن متمایز از فضاهای زیستی اسـت منجـر مـی-شود.

تلاش برای طراحی مسکن مناسب روستایی بدون توجه به این بعد، تلاشـی نافرجـام خواهد بود. از منظر اقتصادی میزان سرمایه‌گذاری ملی در مسـکن روسـتایی در صـورت هدایت درست ضمن تأثیر بر نرخ اشتغال روستایی و بازار عرضه و تقاضای زمین، مصـالح و مسکن بر کمیت و کیفیت توسعه و عمران روستایی و کاهش فاصله بین شهر و روسـتا مؤثر است. هر چند بررسی اقتصادی گسـترده در ایـن زمینـه مسـتلزم وجـود داده‌هـا و

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-30]

شاخص‌های دقیق اقتصادی است که در نمونه‌گیری سال 82 وجـود نداشـت. امـا سـعی گردید با اتکاء به شاخص‌های بانک مرکزی و مرکز آمار ایران به ایـن بعـد مسـکن توجـه شود (بانک مرکزی جمهـوری اسـلامی ایـران، 1369). وجـه اقتصـاد و معیشـت مسـکن روستایی با پنج نمایه معیشت در مسکن، میزان استحکام و بهداشت فضـاهای معیشـتی، استطاعت تأمین هزینه‌های مسکن، رونق بازار زمین و مسکن، و بهره‌وری و کارایی مـورد بررسی قرار گرفت. نمایه نقش معیشت در مسکن با شاخص‌هایی نظیر فضاهای معیشتی و میزان سطوح آنها مورد ارزیابی قرار گرفت. هر چه سـطح و سـرانه‌هـای ایـن نمایـه در مسکن بیشتر باشد فعالیت‌های معیشتی و اقتصادی نقش تعیـین کننـده‌تـری در واحـد مسکونی داشته است. نمایه دیگر وضعیت میزان اسـتحکام و بهداشـت فضـاهای مـذکور است که هر چه وضعیت مطلوب‌تری داشته باشد زمینه ساز امکان بهتر فعالیت معیشتی در واحد مسکونی است.

سه نمایه استطاعت تأمین هزینه‌های مسکن، میـزان رونـق بـازار زمـین و مسـکن، و بهره‌وری و کارایی، نیز برای تعیین اثرات مسکن بر توسعه اقتصـادی مـورد ارزیـابی قـرار گرفت (سرتیپی پور، 1388).

جدول (2) : وجه اقتصاد مسکن

درجه	تعداد استانها	نام استان
درجه اول	**6**	تهران، قزوین، همدان، زنجان، آذربایجان شرقی، ایلام
درجه دوم	**10**	لرستان، مرکزی، یزد، گلستان، اصفهان، گیلان، مازندران، آذربایجان غربی، چهارمحال و بختیاری، خراسان
درجه سوم	**9**	اردبیل، خوزستان، کرمانشاه، بوشهر، کهکیلویه و بویر احمد، کردستان، فارس، سمنان، قم
درجه چهارم	**3**	هرمزگان، سیستان و بلوچستان، کرمان

مأخذ: یافته‌های تحقیق، 1391.

نتیجه مقایسه نسبی استان‌ها نشان داد 6 استان در سطح اول، 10 اسـتان در سـطح دوم، 9 استان در سطح سوم و 3 استان در سطح چهارم قرار می‌گیرند(جدول 2).

وجه برخورداری مسکن از امکانات رفاهی و آسایشی

واحدهای مسکونی خانواده‌ای سنتی روستایی از یک سو تحت تأثیر اقلـیم و شـرایط محیط طبیعی است و از سوی دیگر با الگـوی معیشـت خـانواده ارتبـاط دارد (ضـرابی و پریزادی، 1390: 175). ماهیت چنـد بخشـی – کـارکردی مفهـوم حـوزه‌هـای فضـایی، نیازمند ظرفیت‌سازی محلی برای تعداد زیادی از فعالیت‌های مرتبط و متقابل در هر یک

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-30]

از سکونتگاه‌ها است (افراخته، 1391: 44).مبتنی بر این امر، فراهم نمودن خدمات و امکانات در روستاها نباید به عنوان هدف عمده مدنظر قرار گیرد. با این وصف، برخورداری جوامع روستایی از امکانات و خدمات رفاهی زیربنایی از ارکان مهم توسعه و عمران و رفاه است که با هدف توزیع متناسب و متعادل امکانات زیست و زندگی و با هدف کاهش نابرابری‌های اجتماعی دنبال می‌شود. در دهه‌های اخیر ایجاد تأسیسات زیربنایی و ارائه خدمات بهداشتی درمانی، فرهنگی شالوده فکری و عملی بسیاری از برنامه‌های عمرانی بوده به طوریکه توزیع عادلانه این امکانات و افزایش میزان برخورداری روستائیان از خدمات مذکور از مهمترین اهداف عمران روستایی طی سال-های اخیر بوده است.

برای این منظور دو سطح از برخورداری در مسکن اول به واسطه اینکهمسکن بستر زندگی است و دوم اینکه آبادی بستر قرارگیری مسکن است و محیط را شکل می‌دهد توسط مجموعه‌ای از شاخص‌ها مانند فضاهای آموزشی و بهداشتی، درمانی، تجاری و ... و آب لوله‌کشی، برق، تلفن، سیستم دفع فاضلاب مناسب، در واحد مسکونی و برخورداری روستا از خدماتی ارزیابی گردید.

جدول (3) : وجه برخورداری مسکن

درجه	تعداد استانها	نام استان
درجه اول	**3**	یزد، اصفهان، تهران
درجه دوم	**12**	همدان، مرکزی، چهارمحال و بختیاری، بوشهر، سمنان، قزوین، مازندران، آذربایجان غربی، زنجان، خراسان، فارس، آذربایجان شرقی
درجه سوم	**8**	گلستان، هرمزگان، ایلام، کردستان، خوزستان، اردبیل، قم، کرمان،
درجه چهارم	**5**	لرستان، کهگیلویه و بویراحمد، گیلان، کرمانشاه، سیستان و بلوچستان

مأخذ: یافته‌های تحقیق، 1391.

بر اساس نتایج بررسی شده در این بعد سه استان کشور در سطح اول، دوازده استان در سطح دوم، هشت استان در سطح سوم و پنج استان در سطح چهارم قرار می گیرند.(جدول 3).

وجه زیست محیطی مسکن

امروزه تائید اقدامات و فعالیت‌های توسعه مشروط به لحاظ نمودن اهمیت مکان و حفظ محیط زیست و پیشگیری از آلودگی‌های محیطی و تخریب و تغییر کاربری باغات و زمین‌های کشاورزی است و محیط زیست به عنوان یکی از مهمترین معیارهای تعیین

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-30]

میزان توسعه‌یافتگی جوامع محسوب می‌شود. با توجه به اثراتی که فعالیت‌های ساختمانی و عمرانی بر طبیعت و محیط زیست روستایی دارد بررسی مسکن از این وجه ضروری بوده است. وجه زیست محیطی مسکن از طریق دو نمایه میزان تأثیر واحدهای مسکونی در تخریب زیست بوم و میزان انطباق و هماهنگی مسکن با طبیعت و محیط زیست مورد بررسی و سنجش قرار گرفت (سرتیپی پور، 1388).

نمایه میزان تأثیر واحدهای مسکونی روستایی در تخریب زیست بوم از طریق تولید زباله و مواد زاید، آلودگی هوا و تخریب منابع طبیعی و نمایه میزان انطباق با محیط زیست و طبیعت نیز توسط شاخص‌های تأثیر معماری واحد مسکونی در صرفه‌جویی انرژی، تأثیر بافت در صرفه‌جویی انرژی و میزان کاربرد مصالح بومی تعیین گردیده است. ابتدا اثرات دفع نامناسب زباله و فاضلاب سبک و سنگین، آلودگی و تخریب زمین‌های کشاورزی و باغات یا منابع طبیعی و آسیب‌هایی که از این طریق بر محیط طبیعی روستا وارد می‌شود مورد ارزیابی قرار گرفت. سپس اثرات تعامل و هماهنگی مسکن و بافت با محیط زیست روستایی مورد بررسی قرار گرفت. از این منظر موضوعاتی مانند همسازی معماری مسکن و بافت با محیط طبیعی و استفاده از انرژی‌های تجدیدپذیر طبیعی مانند باد، تابش و... یا استفاده از راهکارهای خلاقانه برای احتراز از آثار سوء عواملی مانند بادهای مضر، طوفان، گرما و سرمای شدید و ... که معمولاً در سیمای بافت و مسکن و نوع مصالح بومی مشاهده می‌شود مورد توجه بوده است.

جدول (4) : وجه زیست محیطی مسکن

درجه	تعداد استانها	نام استان
درجه اول	**8**	یزد، آذربایجان شرقی، اصفهان، بوشهر، تهران، کردستان، سمنان، قزوین
درجه دوم	**6**	خراسان، آذربایجان غربی، همدان، فارس، مازندران، هرمزگان
درجه سوم	**6**	مرکزی، چهار محال و بختیاری، زنجان، خوزستان، قم، کرمان
درجه چهارم	**8**	کرمانشاه، گیلان، اردبیل، سیستان و بلوچستان، گلستان، لرستان، کهکیلویه و بویراحمد، ایلام

نتیجه بررسی‌های زیست محیطی نشان می‌دهد که هشت استان کشور در سطح اول، شش استان در سطح دوم، شش استان در سطح سوم و هشت استان در سطح چهارم قرار دارند (جدول 4).

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-30]

وضعیت کلی مسکن روستایی در شرایط کنونی

بررسی و مقایسه وجوه چهارگانه مسکن روستایی کشور نشـان دهنـده تفـاوت قابـل ملاحظه و معنادار در کیفیت و کمیت مکان و مسکن در استان‌ها است. در نگاهی کلی و جامع جمع‌بندی وجوه مذکور نشان می‌دهد فقط 7 استان در شرایط نسـبتاً مناسـبی از کیفیت و کمیت مسکن مناسـب قـرار دارنـد (سـطح اول). 7 اسـتان در سـطح دوم، 13 استان در سطح سوم هستند و یک استان بدلیل فاصله قابل توجه شاخص‌های آن نسبت به بقیه استان‌ها به تنهایی در آخرین سطح و یک گروه قرار گرفتـه اسـت. خوشـه‌بنـدی وضعیت کلی مسکن در استان‌های کشور در جدول 5 نشان داده شده است.

جدول (5) : مقایسه خوشه‌بندی وضعیت کلی مسکن روستایی در استان‌ها

درجه	تعداد استانها	نام استان
درجه اول	**7**	یزد، اصفهان، همدان، قزوین، تهران، مازندران، مرکزی
درجه دوم	**7**	بوشهر، گیلان، آذربایجان شرقی، فارس، سمنان، چهارمحال و بختیاری، آذربایجان غربی
درجه سوم	**13**	هرمزگان، خراسان، ایلام، زنجان، اردبیل، لرستان، خوزستان، کردستان، قم، کرمان، گلستان،کهگیلویه و بویراحمد، کرمانشاه
درجه چهارم	**1**	سیستان و بلوچستان

مأخذ: یافته‌های تحقیق، 1391.

بر مبنای اطلاعات فوق بهترین وضعیت مسکن مربوط به استان یزد در مرکز کشـور؛ و سخت‌ترین شرایط مربوط به سیستان و بلوچستان اسـت. اسـتان یـزد از لحـاظ وجـوه برخورداری، کالبدی و زیست محیطی جزو استانهای گروه 1 و به لحـاظ وجـه اقتصـاد و معیشت مسکن در گروه 2 قرار دارد. همچنین این استان از لحاظ برخورداری از امکانات رفاهی و آسایشی و وضعیت زیست محیطی بهترین موقعیت را در کشور دارد.

استان سیستان و بلوچستان در شرق ایران در هر چهار وجه اصلی مسـکن در سـطح چهارقرار گرفته و لازم است برنامه‌های توسعه مسـکن آن در قـالبی مجـزا و ویـژه مـورد توجه قرار گیرد.

4) جمع‌بندی و نتیجه‌گیری: ضرورت اتخاذ رویکرد محلی‌گرایی

واحدهای سکونتگاهی روستایی در ایـران بـه تبعیـت از تنـوع ناحیـه‌ای و منطقـه‌ای عوامل محیط طبیعـی – اکولوژیـک از یـک سـو و درجـه تأثیرگـذاری نیروهـا و عوامـل سیاسی و اجتماعی – اقتصادی از سوی دیگر برپا شده و شکل یافتـه اسـت (سـعیدی و

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-30]

حسینی حاصل، 1388: 5). بررسی پایداری مکانی و ویژگی‌های معماری بومی روستایی نشان می‌دهد استقرار روستاها و برپایی مسکندرتمامزمینه‌هاواجد الگوهاوجزییاتیبوده که از پشتوانه حِکمی، ویژگی‌های مکانی، باورها،تصوراتمردم، و فناوریساختوسازمنطقهنتیجه گرفته شده است. چنین معماریکه برگرفته از سنتهاوادابورسومزنده مردم بوده از چند دهه قبل و با هجوم فرهنگ بیگانه با محیط دچار آشفتگی و در مسیر فروپاشی قرار گرفتهاست و آنچه امروز درحالشکل‌گیریاست خارجازچارچوبسنت‌هایرایج، و به دور از حکمت مکانی و اصالت‌های محلی و منطقه‌ای است.

برخورداری از پشتوانه حکمت در معماری بومی به شکل‌گیری برخی ویژگی‌های مهم از جمله لحاظ نمودن نقش مکان، ارائه پاسخ‌های ساده و کارامد به نیازهای انسای و محیطی، مردم واری (انسانی بودن)همراه با هویت خاص مردمان آن منطقه در معماری شده است.

تغییر و تحولات اجتماعی و فرهنگی چند دهه اخیر باعث شده تا مدیریت محلی بومی فضا و معماری، و قواعد و قوانین آن که در سیری تاریخی شکل گرفته، تضعیف و بجای آن نوعی از سازماندهی مسکن که در همه مکان‌ها و مناطق مشابه هم و از طرف دیگر ناسازگار با محیط و شیوه‌های زندگی مردم است شکل گیرد. ارزیابی مصادیق معماری بومی و سنتی در استان‌ها نشان می‌دهد معماری بومی همانند علوم سنتی و دانش بومی، فعالیتی جامع و چند بعدی بوده که بنیان آن از طریق بودن در جامعه و تعامل با اجزاء تشکیل دهنده آن در سطوح مختلف شکل گرفته است، در حالیکه اقدامات امروز فاقد چنین پشتوانه حِکمی است.

ترویج الگوهای جدید و بیگانه با زیست بوم، نادیده گرفتن بستر طرح و عدم تناسب آن با زندگی روستایی، و حاکمیت استانداردهای شهری و تعمیم آن به تمام نقاط کشور از مهمترین معضلاتی است که هم اکنون بوضوح در این حوزه مشاهده می‌شود. برون رفت از این وضعیت مستلزم اطلاع و آگاهی از حکمت زندگی روستایی است و در این مسیر آگاهی از ویژگی‌های مکانی و تأکید بر بوم‌گرایی می‌تواند به تولد مجدد و شکل-گیری معماری برخاسته از متن و آشتی با ارزش‌های محلی کمک نماید.

باید توجه داشت تاکید بر محلی‌گرایی و بومی‌گرایی به منزله نفی نوآوری نیست بلکه هدف اصلی پرهیز از یکسان نگری و نادیده انگاشتن خصوصیات مکان و منطقه

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-30]

است. بر این اساس طراحی بافت و مسکن روستایی از آنجا باید آغاز شود که معمار پیام منطقه، مکان و بستر را درک کرده و با توجه به شرایط آن و پاسخگویی به نیاز مردم با نگرشی واقع گرایانه مبتنی بر اطلاعات محیط با بستر طرح تعامل نماید. بررسی و مقایسه وضع گذشته و موجود مسکن در روستاهای ایران، و ارزیابی کمیت و کیفیت شاخص‌های مسکن روستایی نمونه‌گیری سال 82 و مقایسه با آنچه در حال انجام است نشان می‌دهد با توجه به تفاوت موجود بین مناطق مختلف کشور راه حل یکسان برای پاسخگویی به نیاز مسکن که رویکرد غالب برنامه‌ها است پاسخگو نیست و اتخاذ رویکردی منطقه‌ای و منطقه‌گرایی در سیاست‌های توسعه مسکن روستایی امری ضروری است.

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-30]

5) منابع

- آحوندی، عباس و حبیب الله طاهرخانی، (1390)، **نظام مدیریت و کنترل ساخت و سازهای روستایی در ایران (مشکلات و راهکارها)**، مجموعه مقالات اولین کنفرانس بین‌المللی سکونتگاه‌های روستایی (مسکن و بافت)، بنیاد مسکن انقلاب اسلامی، تهران.
- افراخته، حسن، (1391)، **اقتصاد فضا و توسعه روستایی (مورد: ناحیه شفت)**، فصلنامه اقتصاد فضا و توسعه روستایی، دانشکده علوم جغرافیایی، دانشگاه خوارزمی تهران، سال اول، شماره 1، پیاپی 1، صص 54-39.
- بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، (1369)،**مجموعه دستورالعمل‌های طرح‌های آماری**، اداره آمار اقتصادی، تهران.
- بخشی، زهرا، (1390)، **بررسی مشکلات استفاده کنندگان از اعتبارات مقاوم سازی مسکن روستایی**، مجموعه مقالات اولین کنفرانس بین‌المللی سکونتگاه‌های روستایی (مسکن و بافت)، بنیاد مسکن انقلاب اسلامی، تهران.
- بنیاد مسکن انقلاب اسلامی، (1382)،**طرح آمارگیری شناخت ویژگیهای مسکن روستایی1382 و ضمائم مربوطه**، بنیاد مسکن انقلاب اسلامی، تهران.
- بنیاد مسکن انقلاب اسلامی، (1384)، **برنامه راهبردی مسکن روستایی، طرح تدوین اسناد پشتیبان و برنامه مسکن روستایی دربرنامه چهارم**، معاونت امور مسکن و بازسازی، تهران.
- پرتوی، پروین، (1382)، **مکان و بی مکانی رویکردی پدیدارشناسانه**، هنرهای زیبا، شماره 14، ص 40-50.
- رشیدپور، لقمان و دیگران، (1390)، **بررسی نقش دست اندرکاران در رهیافت مدیریت**، مجموعه مقالات اولین کنفرانس بین‌المللی سکونتگاه‌های روستایی (مسکن و بافت)، بنیاد مسکن انقلاب اسلامی، تهران.
- رفیعی، مینو، (1390)، **جایگاه مسکن روستایی در اقتصاد روستا**، مجموعه مقالات اولین کنفرانس بین‌المللی سکونتگاه‌های روستایی (مسکن و بافت)، بنیاد مسکن انقلاب اسلامی، تهران.
- زرگر، اکبر، (1376)، **ویژگیهای عام معماری ایران**، صفه، شماره 25.
- سرتیپی‌پور، محسن، (1388)، بررسی تحلیلی وضعیت مسکن روستایی در ایران. صفه، شماره 49، صص 60-47.

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-30]

- سرتیپی‌پور، محسن، (1389)،**خانه‌های روستایی ایران**، انتشارات بنیاد مسکن انقلاب اسلامی، تهران.
- سرتیپی‌پور، محسن، (1390)،**بیانیه**، مجموعه مقالات اولین کنفرانس بین‌المللی سکونتگاه‌های روستایی (مسکن و بافت)، بنیاد مسکن انقلاب اسلامی، تهران.
- سعیدی، عباس و صدیقه حسینی حاصل، (1388)، **شالوده مکانیابی و استقرار روستاهای جدید**، بنیاد مسکن انقلاب اسلامی، تهران.
- سینگ، اس. ک.، (1390)، **مسکن روستایی و نهادهای تأمین مالی (مطالعه موردی: هند)**، مجموعه مقالات اولین کنفرانس بین‌المللی سکونتگاه‌های روستایی (مسکن و بافت)، بنیاد مسکن انقلاب اسلامی، تهران.
- شفیعی دستجردی، الهام، (1390)، **بررسی عوامل مؤثر بر اجرای دولت الکترونیک در مناطق روستایی کشورهای در حال توسعه**، مجموعه مقالات اولین کنفرانس بین-المللی سکونتگاه‌های روستایی (مسکن و بافت)، بنیاد مسکن انقلاب اسلامی، تهران.
- صابری‌فر، رستم و صدیقه قیصاری، (1390)، **عوامل تأثیرگذار بر موفقیت پروژه‌های بهسازی و ساخت خانه‌های روستایی**، مجموعه مقالات اولین کنفرانس بین‌المللی سکونتگاه‌های روستایی (مسکن و بافت)، بنیاد مسکن انقلاب اسلامی، تهران.
- ضرابی، اصغر و طاهر پریزادی، (1390)، **برنامه‌ریزی مسکن روستایی کشور در قالب طرح جامع مسکن استان**، مجموعه مقالات اولین کنفرانس بین‌المللی سکونتگاه‌های روستایی (مسکن و بافت)، بنیاد مسکن انقلاب اسلامی، تهران.
- طرح جامع مسکن، (1385)،**سند تحلیلی:جمع بندی مطالعات**، وزارت مسکن و شهرسازی، تهران.
- مرکز آمار ایران، (1375 و 1385)،**فرهنگ سرشماری عمومی نفوس و مسکن**.
- Rapoport, A., (2005),**Culture Architecture and Design**, Locke science publishing company Inc, Chicago, USA.

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-30]